



A Comparative Study of Making References to the Authority of the Semantic Independence of Certain Fragments of the Quranic Verses in the al-Mizan and Nemouneh Tafsirs

Leyla Ahmadi* | Muhammad Faker Meybodi** | Ali Asghar Tajari***

Received: 2020-01-13 | Accepted: 2020-06-22



Reliance on the unwritten but applied rules in the tafsir books has long been a powerful tool in the hands of the Quran scholars to help them reach the original purpose behind the Divine verses. One of these tools is the authority of independent fragments. The present paper first gives an analysis of this rule, followed by citing relevant examples from the Quran tafsirs of al-Mizan and Nemouneh. The authors of both of these tafsirs believe in the independent meaningfulness. The authors of both of these tafsirs believe in the independent meaningfulness of certain Quranic fragments, irrespective of their contexts. An outstanding benefit of having an independent view of the Quranic verses is the age-free value of the Quran in that it belongs to, hence applicable to, the needs of all eras and time-periods. From this perspective, the Nemouneh Tafsir benefits much more from this rule, compared with al-Mizan which is a context-bound tafsir. Some of the benefits of the application of this rule in the Nemouneh Tafsir are expressions of the Islamic articles of faith and proving the most widely-used fiqh-oriented rules. The present research falls within the scope of basic-applied ones carried out with a view to comparative-descriptive content analysis.

Keywords: Comparison, tafsir rules, independent fragments, al-Mizan, Nemouneh tafsirs.

* PhD in the Quran and Hadith Sciences | ahmadikhomyni@gmail.com.

** Professor, al-Mostafa International University | dr.m.faker.m@gmail.com

*** Assistant professor, Dept. of Islamic Theology, Islamic Azad University, Qom | a.tajari@hotmail.com.

■ Ahmadi, L; Faker Meybodi, M; Tajari, A.A. (2021) A Comparative Study of Making References to the Authority of the Semantic Independence of Certain Fragments of the Quranic Verses in the al-Mizan and Nemouneh Tafsirs. *Biannual Journal of Comparative Exegetical Researches*, 6 (12) 309-330. Doi: 10.22091/PTT.2020.5840.1814





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بررسی تطبیقی استناد به حجیت استقلال معنایی فرازهای آیات قرآنی در تفاسیر المیزان و نمونه

لیلا احمدی* | محمد فاکرمیبی** | علی اصغر تجری***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۹ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۲

چکیده

استظهار قواعد نانوشته به کاررفته در کتب تفسیری به مثابه ابزار محکمی در دست قرآن پژوهان است تا آنان را در رسیدن به مراد اصلی آیات الهی یاری رساند. یکی از این قواعد، «حجیت فرازهای مستقل» است. این نوشتار پس از تبیین و تحلیل قاعده، به بررسی کارکردها و نمونه‌های قرآنی آن، در دو تفسیر «المیزان» و «نمونه» پرداخته است. صاحبان هر دو تفسیر باتوجه به اصول و قواعدی خاص، به معناداری مستقل فرازهایی از آیات بدون توجه به سیاق معتقدند. از مهم‌ترین نتایج نگاه مستقل به آیات، اثبات تعلق قرآن به تمام اعصار و دوران‌ها می‌باشد. میزان بهره‌گیری از این قاعده در «نمونه» بنابر رسالتش بسیار بیشتر از «المیزان» که تفسیری سیاقی است، می‌باشد. پایه‌ریزی مبانی اصیل اسلامی، همچنین اثبات قواعد پر کاربرد فقهی از نتایج بهره‌گیری از این قاعده در «نمونه» است. پژوهش حاضر، پژوهشی بنیادی-کاربردی می‌باشد که با نگرش تحلیل محتوای تطبیقی-توصیفی انجام شده است.



واژگان کلیدی: تطبیقی، قواعد تفسیر، حجیت، فرازهای مستقل، المیزان، تفسیر نمونه.

* دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران | ahmadikhomyni@gmail.com

** استاد و عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه | dr.m.faker.m@gmail.com

*** استادیار، گره الهیات و معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران | a.tajari@hotmail.com

□ احمدی، ل؛ فاکرمیبی، م؛ تجری، ع.الف. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی استناد به حجیت استقلال معنایی فرازهای آیات قرآنی در

تفاسیر المیزان و نمونه، دوفصل‌نامه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی. ۶(۱۲)، ۳۰۹-۳۳۰. Doi: 10.22091/PTT.2020.5840.1814



مقدمه و بیان مسئله

مفسران غالباً بدون اینکه قواعد تفسیری را برای مخاطب تبیین کنند، به بهره‌گیری از آن در تفسیر پرداخته‌اند. یکی از این قواعد مهم تفسیری که اهتمام به آن نتایج متعددی در حوزه‌های گوناگون اعتقادی، اخلاقی، فقهی و همچنین رفع شبهه انحصار قرآن کریم به عصر پیامبر (ص) در پی دارد، قاعده «حجیت فرازهای مستقل قرآنی» می‌باشد. طبق این قاعده یک فراز قرآنی می‌تواند از انحصار در سیاق خارج شده و معانی متعدد دیگری را برساند؛ به عنوان نمونه اکثر مفسران در تفسیر آیه «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ» و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد» (اعراف: ۱۵۷)، در حیطه سیاق به تفسیر آیه پرداخته و می‌نویسند: «منظور این است که احکام سخت و دشوار یهود را از دوش شما برداشتیم.» (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۴، ص ۷۵۰ / طباطبائی، ۱۳۹۰ اق، ج ۸، ص ۲۷۸)، اما تعداد معدودی از مفسران، دید فراسیاقی به آیه داشته و نوشته‌اند: «یعنی خداوند خرافه، جهل، بی‌خردی، تعصب و غیره را برداشته است.» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ ش، ج ۶، ص ۴۰۰).

سوالاتی که این تحقیق در پی پاسخ به آنها می‌باشد این است که دیدگاه «المیزان» و «تفسیر نمونه» نسبت به قاعده مذکور و کارکردهای استفاده از آن چیست؟ همچنین نتایج تحلیل تطبیقی مصادر و نمونه‌های آن در این دو تفسیر کدام است؟

پیشینه تحقیق

در زمینه قواعد تفسیری به‌طور عام، کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است ولی در خصوص «قاعده فرازهای مستقل قرآنی» آثار محدودی در دست می‌باشد، از جمله مقاله «حجیت فرازهای قرآن کریم، احمد عابدینی» که در سال ۱۳۷۶ در مجله بینات، سال چهارم، شماره ۱۴ به چاپ رسیده است. این مقاله اثبات می‌کند که فرازهایی از آیات اگر ظهوری مستقل و غیرمنافی با ظهور آیات صدر و ذیل داشت، قابل استناد می‌باشند و در مسائل غیرعبادی ظهور آنها مراد است و قابل تمسک و استدلال. همچنین کتاب «سایه‌ها و لایه‌های معنایی، محمد اسعدی» که در سال ۱۳۸۵ به وسیله مؤسسه بوستان کتاب در قم چاپ و منتشر شده، به همین موضوع پرداخته است؛ این کتاب به بحث درباره فرازهای مستقل در چهار بخش زبان شناختی، قرآن شناختی، سنت شناختی و نتایج و نمونه‌ها می‌پردازد. مورد

دیگر، مقاله «استقلال معنایی فرازهای قرآنی، محمد باقریان» می‌باشد که در سال ۱۳۸۵ در مجله معرفت، شماره ۱۰۷ منتشر شده است. در این مقاله اثبات می‌شود که استقلال معنایی فرازهای قرآنی امری ممکن، مقبول و مؤید به دلایل و شواهد قرآنی، روایی و تفسیری است و نقشی بسیار مهم و کلیدی در تفسیر موضوعی و دستیابی به اصول و قواعد اساسی برای استنباط احکام دارد و مفسران و فقیهان از آن استفاده کرده‌اند. همچنین مقاله «معناداری بخشی از آیه یا آیات، هم در سیاق و هم خارج از سیاق، زهره اخوان مقدم» در سال ۱۳۹۴ در مجله مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۱۷ منتشر شده است، و در پی تأیید حجیت فرازهای مستقل قرآنی می‌باشد و معتقد است به کارگیری این قاعده در تفسیر باعث می‌شود مفسر خود را در قالب سیاق، اعم از قصه یا بیان حکم عملی یا صبغه اعتقادی محصور نکند و با رها شدن از این حدود و مرزها، به استنباط معانی جدید روی آورد و با توجه به موضوع «عدم تنافی» قرآن را به نطق در آورد.

با توجه به معرفی اجمالی موارد پیش گفته، روشن می‌گردد که وجه تمایز این نوشتار نسبت به آثار ارزشمند انجام شده قبلی، عبارت است از پرداختن تطبیقی و تفصیلی به حجیت استقلال معنایی فرازهای آیات قرآنی در حوزه قواعد تفسیری، بر محور دو تفسیر مطرح شیعه در دوران معاصر، یعنی تفاسیر المیزان و نمونه.

مفهوم شناسی واژگان

لازم است پیش از ورود به مباحث اصلی، به تبیین مفهوم دو واژه مهم در این نوشتار بپردازیم که عبارتند از:

الف) قاعده

«قاعده» در لغت به پایه و اساس هر چیز گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۰۹ / ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۶۱)؛ برخی نیز آن را ضابطه و امری کلی می‌دانند که بر تمام جزئیات منطبق است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۱۰ / جرجانی، ۱۳۵۷ق، ص ۷۳).

در اصطلاح تفسیری، «قواعد، احکام کلیه‌ای هستند که به واسطه آنها استنباط معانی قرآن عظیم و شناخت چگونگی استفاده از آن احکام به دست می‌آید.» (سبت، ۱۴۲۶ق، ص ۳۰)؛ به بیانی دقیق‌تر «قواعد تفسیر، دستورالعمل‌هایی کلی برای تفسیر قرآن مبتنی بر مبانی

متن عقلی، نقلی و عقلایی است که با وجود آنها تفسیر ضابطه‌مند می‌شود و با رعایت آنها خطا در فهم معنا و مراد آیات کاهش می‌یابد.» (بابائی، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۶)؛ بنابراین، «قاعده» در تفسیر، مانند یک پایه است که بسیاری از آموزه‌ها بر آن استوار است و پذیرش هر قاعده می‌تواند نتایج خاصی را به همراه داشته باشد.

ب) فراز مستقل

از منظر لغوی، «فراز» به معنای پهن شده و پخش گردیده است، که بیشتر به عنوان حرف اضافه به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۸۵ ش، ج ۲، ص ۲۰۹۶)؛ و «مستقل» به معنای مختلفی به کار رفته از جمله چیز استوار و قائم به نفس خود که محتاج به دیگری نباشد (دهخدا، ۱۳۸۵ ش، ج ۲، ص ۲۷۰۲)، به این ترتیب، منظور از «فراز مستقل» عبارتی است که معنای کامل دارد.

در تعریف اصطلاحی، برخی از محققان علوم قرآنی، با در نظر گرفتن محدوده فرازهای مستقل نوشته‌اند: «فرازهای مستقل، جمله‌ها و پاره‌های معنادار و کاملی هستند که گاه بخشی از یک آیه را شامل می‌شوند، گاه یک آیه و گاه چند آیه مرتبط با هم را، که می‌توانند افزون بر مفادی که در ارتباط با پیوندهای مختلف دارند، نگاهی مستقل را نیز پذیرا باشند.» (اسعدی، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۵)؛ از این اصطلاح با عنوان «ساختارهای چندوجهی قرآن» نیز یاد کرده‌اند (همان، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۹). برخی محققان از معانی مختلف عبارات قرآنی با عنوان درون‌مایه‌های متفاوت آن یاد کرده و نوشته‌اند: «هر آیه‌ای از آیه‌های قرآن درون‌مایه‌هایی ویژه خود و درون‌مایه‌های کلی تری نیز نسبت به سیاق خود یا نسبت به سوره‌ای که آیه در آن جای گرفته است، دارد.» (مدرسی، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۱). این عبارات ویژگی‌های دارند؛ «در مواردی، این فرازهای مستقل از مجموعه خود، معنایی را می‌رسانند که چیزی است غیر از آنچه با لحاظ پیوستگی جملات اطراف خود، معنا می‌دهد.» (باقریان، ۱۳۸۵ ش، ص ۸۴)؛ گاهی این معانی در تعارض با سیاق، عموم و خصوص و غیره می‌باشند. پس در تعریف فرازهای مستقل می‌توان گفت قرآن به رغم داشتن یک نظم و پیوستگی ویژه، فرازهایی دارد که با نگاه تفکیکی دارای استقلال معنایی هستند، به نحوی که با توجه به سیاق، معنایی را می‌رسانند و فارغ از سیاق، معنایی دیگر از آنها مکشوف می‌گردد، البته با حصول شرایط.

۱. اقسام «فرازهای مستقل قرآنی»

اصطلاح «فرازهای مستقل قرآنی» می‌تواند تداعی‌کننده دو دسته از عبارات قرآن کریم باشد که عبارتند از:

۱-۱- جملات معترضه

کلمه «معترضه» برگرفته از «اعتراض»، و «اعتراض» نیز در لغت به معنای عارض شدن یا مانع گشتن است (رازی، ۱۹۸۹م، ماده عَرْض)؛ و در اصطلاح آن است که یک جمله یا بیشتر در میان کلام یا دو کلام متصل به هم آورده شود و محلی از اعراب نداشته باشد (هاشمی، ۱۹۷۸م، ص ۲۳۰ / ابن جنی، ۱۹۹۰م، ج ۱، ص ۳۳۵ / انصاری، ۱۳۶۶ش، ج ۲، ص ۵۰۶)؛ بنابراین، «جمله معترضه، عبارتی است که میان یک کلام یا دو کلام که معنای به هم پیوسته‌ای دارند، فاصله می‌اندازد که بدون آن هم، غرض کلام تمام است.» (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۳۵).

هرچند در سخنان حکیمانه، نظام مناسبی بر چیش بخش‌های کلام حاکم است، ولی گاهی سخنوران و نویسندگان، بین کلامشان جملات کوتاهی خطاب به مخاطبین خود می‌گویند که ارتباطی با موضوع اصلی بحث آنان ندارد و به عنوان یک جمله معترضه بیان می‌شود؛ «بیان جمله‌های معترضه، در میانه کلام (چه در زبان گفتاری، به تناسب مقتضیات حاکم بر فضای گفت‌وگو و چه در زبان نوشتاری به مناسبت نیازهای جانبی سخن) امری پذیرفته است.» (اسعدی، ۱۳۸۵ش، ص ۲۳۰). در بعضی از سور قرآنی نیز جملاتی به عنوان جمله معترضه بین دیگر جملات آیه قرار گرفته‌اند که نمی‌توان از لحاظ سیاق و وحدت موضوعی، آنها را به قبل و بعد ربط داد، و بنابر دلایلی، از جمله نیاز مبرم به نزول یک حکم و غیره نازل شده‌اند، پس «جمله معترضه در قرآن زائد نیست، بلکه در جای خاص خود قرار گرفته و بر اساس مقتضای حال، کاربرد پیدا کرده است.» (ممتحن، ۱۳۸۷ش، ص ۵۹). به نمونه‌هایی از این فرازهای قرآنی اشاره می‌کنیم:

الف. آیات نهی از تعجیل تلاوت

قرآن کریم در سوره قیامت و در خلال احوال انسان در روز قیامت ناگهان می‌فرماید: «لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ * إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا

بَيَانُهُ؛ زبانت را به خاطر عجله برای خواندن آن (قرآن) حرکت مده * چراکه جمع و خواندن آن بر عهده ماست * و هنگامی که ما آن را خواندیم از آن پیروی کن * سپس بیان (و توضیح) آن نیز بر عهده ماست.» (قیامت: ۱۹-۱۶).

این ۴ آیه تذکر فشرده‌ای به پیامبر (ص) است درحالی که در میانه آیات مربوط به قیامت و احوال مؤمنان و کافران قرار گرفته است؛ «پیامبر (ص) به خاطر عشق و علاقه شدیدی که به دریافت و حفظ قرآن داشت، هنگامی که پیک وحی آیات را بر او می‌خواند، همراه او زبان خود را حرکت می‌داد و تعجیل می‌کرد، خداوند او را نهی فرمود که این کار را مکن، خود ما آن را برای تو جمع می‌کنیم.» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ ش، ج ۲۵، ص ۲۹۶).

ب. آیه تطهیر

قرآن کریم در خلال بیان اوصاف و ویژگی‌های زنان پیامبر (ص)، خطاب به اهل بیت (ع) می‌فرماید: «...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.» (احزاب: ۳۳).

این قسمت آیه که به آیه تطهیر معروف است، از نظر لحن کلام، نوع بیان و ضمایر، با ابتدای آیه یعنی عبارت: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...» کاملاً متفاوت می‌باشد و نشان می‌دهد که مربوط به ماقبل نیست. تفسیر قمی به نقل از زید بن علی بن الحسین (ع) در این باره می‌نویسد: «اگر این بخش آیه مرتبط با قسمت قبل بود، باید «لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ» می‌آمد.» (قمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۱۹۳). روایات شأن نزول نیز به روشنی بیانگر جدایی و استقلال آیه تطهیر از قسمت قبل و بعد از آن است.

بخشی از آیه اکمال (مائده: ۳) نیز نمونه‌ای دیگر از جملات معترضه در قرآن می‌باشد، نظیر بخشی از این آیه، در دو جای دیگر قرآن کریم نیز آمده است (بقره: ۱۷۳، نحل: ۱۱۵). آیات تقطیعی یا جملات معترضه‌ای که فاقد وحدت موضوعی و صدوری هستند و هیچ تعلق به سیاق ندارد، دارای معنای مستقل بوده و از موضوع این مقاله خارجند.

۱-۲- استقلال فراز در عین تعلق به سیاق

گاهی یک آیه یا فرازی از یک آیه، پیرو سیاق، معنایی را می‌رساند و خارج از سیاق

ظهوری گسترده‌تر و یا حتی متفاوت دارد، البته مراد از این مبنا، کنار گذاشتن معانی مبتنی بر سیاق و اسباب نزول نیست، بلکه با حفظ آن معانی، از معانی عبارات‌های تقطیع شده و گسسته از سیاق و اسباب نزول نیز، با رعایت اصول و قواعد مناسب، استفاده می‌شود.» (کمانی نجف آبادی، ۱۳۹۷ش، ص ۸۱). در روایات اهل بیت (ع) و تفاسیر مفسران نیز استفاده از این قاعده بسیار به چشم می‌خورد.

۲. اثبات استقلال معنایی فرازهای مستقل قرآنی

این بخش از مقاله در پی اثبات برداشت‌های ضابطه‌مند از عبارات قرآنی، با نگاهی مستقل از مفاد سیاقی و ظاهری و فارغ از پیوندهای خاص است.

۲-۱- استناد اهل بیت (ع) به فرازهای مستقل از حیث معنا

طبق برخی از آیات شریفه قرآن، مانند آیه ۴۴ سوره نحل، و نیز بر مبنای بعضی از احادیث و روایات معتبر، مانند حدیث ثقلین، بزرگ‌ترین مفسران و معلمان قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت ایشان (ع) هستند. این بزرگواران در پاسخ به سؤالات مسلمانان استندهای زیادی به عبارات مستقل قرآنی داشته‌اند که هم تأییدی بر استقلال این گونه فرازها می‌باشد و هم الگویی بر چگونگی استفاده از این قاعده توسط مفسران و پژوهشگران علوم قرآنی. به نمونه‌هایی در این زمینه اشاره می‌کنیم:

الف. «سفیان بن عیینه از امام صادق (ع) درباره «لَيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک: ۲) سؤال کرد، امام فرمود: مقصود پُرکارتر نیست، بلکه مقصود درست‌کردارتر است و درستی همانا ترس از خدا و نیت صادق و کار نیک است؛ سپس این عبارت شریف را بیان فرمود: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» (اسراء: ۸۴) یعنی طبق نیت خود.» (کلینی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۶). با اینکه سیاق فراز «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» درباره کسانی است که به آنها نعمت داده شده، ولی کفران کرده و در نتیجه به آنها بدی رسیده، امام (ع) از این فراز برداشت مستقلی نسبت به نیت و روش دارد.

ب. «فردی از امام صادق (ع) پرسید که به امام قائم به عنوان امیر مؤمنان سلام می‌کنند؟ فرمود: نه، آن نام را خدا مخصوص امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب (ع)، نموده؛ پیش از او کسی بدان نام، نامیده نشده و بعد از او هم جز کافر آن نام را بر خود ننهد. عرض کردم: قربانت

شوم پس چگونه بر او سلام می‌کنند؟ فرمود: «السلام علیک یا بقیة الله»؛ سپس این آیه را تلاوت فرمود: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (هود: ۸۶). (همان، ج ۲، ص ۲۷). در اینجا نیز امام (ع) با استناد به فرازی که صدر و ذیل آن موضوع دیگری است، به سؤال کننده پاسخ می‌دهند. در تفسیر نمونه در تائید این مطلب آمده است: «در آیه مورد بحث، مخاطب قوم شعیب هستند، و منظور از «بقیة الله» سود و سرمایه حلال و یا پاداش الهی است، ولی هر موجود نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت او گردد، «بقیة الله» محسوب می‌شود... و از آنجا که مهدی موعود (ع) آخرین پیشوا و بزرگ‌ترین رهبر انقلابی پس از قیام پیامبر اسلام (ص) است، یکی از روشن‌ترین مصادیق «بقیة الله» می‌باشد و از همه به این لقب شایسته‌تر است.» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ ش، ج ۹، ص ۲۰۴).

اینها نمونه‌هایی از روایات فراوانی است که ائمه اطهار (ع) از قسمتی از آیه استظهار می‌کردند، به گونه‌ای که آن ظهور در راستای سیاق آیات نبوده است. فقها نیز برای رسیدن به حکم الهی از این گونه روایات بهره‌های فراوان برده‌اند.

۲-۲- استناد مفسران و دانشمندان علوم قرآنی به فرازهای مستقل

برخی از مفسران و محققان علوم قرآنی، استناد به حجیت استقلال معنایی فرازهای آیات قرآنی را پذیرفته و در این زمینه اشارات جالب و گسترده‌ای نیز دارند؛ صاحب تفسیر گرانقدر «المیزان» در این باره می‌نویسد: «هر جمله از جملات قرآنی به تنهایی حقیقتی را می‌فهماند و با هریک از قیودی که دارد، از حقیقتی دیگر خبر می‌دهد، حقیقتی ثابت و لایتغیر و یا حکمی ثابت از احکام.» (طباطبائی، ۱۳۹۰ ش، ج ۱، ص ۲۶۰). نویسنده تفسیر «الکاشف»، فراز «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» خداوند راحتی شما را می‌خواهد نه زحمت شما را» (بقره: ۱۸۵) که در سیاق خود، درباره حکم روزه است، توسعه و تعمیم داده و آن را منحصر به حکم روزه نمی‌داند (مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۱، ص ۲۸۵). مؤلف «تفسیر نمونه» نیز فرازهای متعددی از آیات را مستقل به حساب آورده است که در قسمت بعد به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

البته باید توجه داشت که «اگر فرازی از یک آیه ظهوری داشت که صدر و ذیل آیه با آن منافی نبود، قابل اخذ و تمسک است.» (عابدینی، ۱۳۷۶ ش، ص ۵۴)؛ پس اگر معنایی را

افاده کند که با سایر آیات و ضروریات منافات داشته باشد، به طور مسلم حجت نیست، از قبیل قید، استثناء، تخصیص و غیره؛ به بیانی دیگر، تقطیع آیات باتوجه به شرایط و ملاک‌هایی اعتبار دارد از جمله «جنبه‌های ادبی آیات، مرجع ضمیرها، اصول دین و مذهب و روح کلی قرآن، احکام آیات منسوخ و مدلول آیات متشابه و غیره» (پیروزفر، ۱۳۹۲، ش، ص ۹۴). که بدون در نظر گرفتن این ملاک‌ها، طبعاً تقطیع آیات و عبارات قرآنی صحیح نمی‌باشد.

۳. دلایل رد حجیت استقلال معنایی فرازهای مستقل و نقد آن

«حجیت فرازهای مستقل قرآنی» از قواعد مهم و فراگیر تفسیری است، با این وجود ممکن است اشکالاتی به آن وارد شود که در اینجا دو نمونه از مهم‌ترین آنها تبیین و نقد می‌گردد:

۳-۱- وجود قاعده سیاق

«سیاق» نوعی ویژگی برای کلمات و عبارات است که از کنار هم قرار گرفتن و چینش آنها به وجود می‌آید. در آیات الهی، «سیاق» یعنی «یک جمله از قرآن کریم قرینه برای جمله‌ای دیگر در همان آیه قرار گیرد و در تعیین مقصود از جمله دیگر مؤثر واقع شود». (بابایی، ۱۳۷۹، ش، ص ۱۲۷). با دقت در تعریف سیاق، به معنا و مراد اصلی آیات و عبارات، باتوجه به پیوستگی و چینش آنها می‌رسیم، در حالی که با استناد به حجیت استقلال معنایی فرازهای آیات قرآنی، معنای عبارات، مستقل و خارج از سیاق در نظر گرفته می‌شود.

نقد و تحلیل

در قاعده استقلال معنایی فرازهای مستقل قرآنی، قاعده سیاق نادیده گرفته نمی‌شود، بلکه در اکثر موارد، هر دو معنای به دست آمده از دو قاعده، قابل جمع بوده و در کنار هم مفسر را در رسیدن به مراد اصلی متکلم یاری می‌رساند.

۳-۲- وجود هدف واحد برای هر سوره

برخی از مفسران و دانشمندان علوم قرآنی معتقدند که هر سوره پیام و هدف واحدی دارد که «در انسجام و به هم پیوستگی آیات نقش دارد» (معرفت، ۱۳۸۷، ش، ص ۳۳۷)؛ همچنین، هدف کلی یک سوره را مشخصه ویژه آن سوره می‌دانند و می‌نویسند: «هر یک از

سوره‌های قرآن کریم دارای نشانه و رنگ خاص و مشخصه ویژه‌ای بوده و از جان و روحی برخوردار است که در تمام زوایای آیات آنها جریان دارد. (شحاته، ۱۳۶۹ ش، ص ۳۰). بر همین اساس، شاید این اشکال برای برخی مطرح شود که استقلال معنایی فرازهای مستقل، با هدف و پیام واحد داشتن هر سوره و جامعیت واحد آن مغایرت دارد.

نقد و تحلیل

اولاً هدف کلی داشتن یک متن یا کتاب دلیل بر نداشتن اهداف جزئی نیست، بلکه باید گفت تمام متون، یک هدف کلی و اصلی دارند و یک سری اهداف جزئی و ضمنی، که در راستای همان هدف اصلی هستند و تعارضی با آن ندارند، چنان که خود قرآن نیز یک هدف و رویکرد کلی و اصلی دارد که همان هدایت انسان است و زیر چتر این هدف اصلی، تعداد زیادی اهداف ریزتر قرار دارد؛ فرازهای مستقل نیز در هر سوره به عنوان اهداف جزئی آن سوره به حساب می‌آیند.

ثانیاً وجود تنها یک هدف کلی برای سوره قرآنی، به‌ویژه سوره‌های بلند آن، از موضوعات مورد بحث میان دانشمندان و مفسران علوم قرآنی است و بنابراین جزء قطعیات نیست که طبق آن بتوان شبهه مغایرت فرازهای مستقل با هدف کلی سوره را مطرح کرد؛ بنابراین وجود هدف یا اهدافی برای سوره قرآنی با «حجیت فرازهای مستقل» مغایرت ندارد.

۴. دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله مکارم درباره حجیت فرازهای مستقل قرآنی

علامه طباطبایی (ره) از قاعده «حجیت فرازهای مستقل قرآنی» به عنوان یکی از کلیدهای اصلی تفسیر نام برده (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱، ص ۲۶۰) و معتقد است که هریک از صور و گونه‌های ترکیبی کلام الهی، که امکان نگاه مستقل را داشته باشد، حجت و معتبر تلقی می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۰، ص ۱۰۰). البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که علی‌رغم آنکه مؤلف المیزان یکی از پایه‌گذاران این قاعده به حساب می‌آید، ولی به‌ندرت از آن بهره برده است.

آیت الله مکارم شیرازی نیز یکی از پیشتازان در بهره‌گیری از این قاعده هستند و غالباً در تبیین این گونه فرازاها به نکات مهم دیگری غیر از شأن نزول و سیاق اشاره می‌کنند. ایشان

معتقد است پیوند و ارتباط یک فراز با عبارات قبل و بعد، مانع از بیان یک حکم کلی و عمومی نیست (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش، ج ۴، ص ۴۲).

۵. نمونه آیات فرازهای مستقل

۵-۱- فرازهای مستقل مشترک در المیزان و نمونه

در این قسمت به برخی آیات که هردو مفسر در تفسیر آن، استقلال از سیاق را لحاظ کرده و نگاه تفکیکی داشته‌اند، اشاره می‌شود:

الف. قوانین کلی قابل تعمیم

«بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ* وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۸۲-۸۱)؛ این آیات در سیاق، بیان‌کننده ویژگی‌های یهود است، ولی علامه و آیت‌الله مکارم با نگاه تفکیکی به این عبارات می‌نویسند: «کسانی که گناه کنند و آثار گناه سراسر وجودشان را بپوشاند آنها اهل دوزخند و همیشه در آن خواهند بود، و کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند آنها اصحاب بهشتند و جاودانه در آن خواهند بود.» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۱۶ / مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۳۲۳-۳۲۲). این آیات و نمونه‌های فراوان دیگر حاکی از آن است که هردو مفسر قوانین کلی‌ای را که قابل تعمیم به هر قوم و ملتی است، هرچند بنا بر تأکید سیاق، یک گروه خاص را مد نظر داشته باشد، به اقوام دیگر نیز تسری داده‌اند.

ب. تعلیل انتهای آیات

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نساء: ۲۹)؛ علامه پس از تفسیر فراز «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» در سیاق، با نگاه گسترده و تفکیکی به آن پرداخته و با تأکید بر عبارت «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» مراد از قتل نفس نهی شده را عام می‌داند که شامل کشتن غیر، انتحار و به‌خطر انداختن خویش می‌گردد و در تبیین این فراز، نهی مذکور را به رحمت خدا تعلیل کرده، می‌نویسد: «این کار را نکنید، زیرا خدا به شما مهربان است» و برای کسی پوشیده نیست که چنین تعلیلی با مطلق بودن معنا سازگارتر است، و بنابراین تعلیل، آیه شریفه معنایی وسیع پیدا می‌کند و

همین سازگاری، خود مؤید این است که بگوییم جمله «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» به تنهایی تعلیلی است برای جمله «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۳۲۰). آیت الله مکارم نیز با تأکید بر فراز «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» می‌نویسد: «یعنی خداوند مهربان نه تنها راضی نمی‌شود دیگری شما را به قتل برساند، بلکه به خود شما هم اجازه نمی‌دهد با رضایت خود، خویشتن را به دست نابودی بسپارد.» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۳۵۶)؛ به این ترتیب، هردو مفسر تأیید می‌کنند که تعلیل با مطلق بودن معنا یا همان نگاه تفکیکی هماهنگ است و در نتیجه، آیه معنای گسترده‌ای پیدا می‌کند و استقلال آن تأیید می‌گردد.

ج. کلیت احکام

«...وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...» (حشر: ۷)؛ علامه هرچند اهتمام ویژه‌ای به سیاق دارد ولی درباره این فراز می‌نویسد: «با صرف نظر از سیاقی که دارد، شامل تمامی اوامر و نواهی رسول خدا(ص) می‌شود، و تنها منحصر به دادن و ندادن سهمی از فیء نیست، بلکه شامل همه اوامری که می‌کند و نواهی‌ای که صادر می‌فرماید، هست.» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹، ص ۲۰۴). همچنین آیت الله مکارم با تأیید استقلال این فراز می‌نویسد: «این جمله هرچند در ماجرای غنائم بنی‌نضیر نازل شده، ولی محتوای آن یک حکم عمومی در تمام زمینه‌ها و برنامه‌های زندگی مسلمان‌ها است، و سند روشنی است برای حجت بودن سنت پیامبر(ص)، طبق این اصل همه مسلمانان موظفند اوامر و نواهی پیامبر(ص) را به گوش جان بشنوند و اطاعت کنند.» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش، ج ۲۳، ص ۵۰۷).

این آیات و نمونه‌های دیگر از جمله «نساء: ۸۶؛ بقره: ۱۱۵ و ۱۸۵ و ۲۱۶؛ طلاق: ۲ و ۳» و غیر این آیات، تأیید می‌کنند که هردو مفسر بر اساس مبانی خاصی، معناداری مستقل فرازهایی از قرآن را می‌پذیرند و بر مبنای این استقلال به نتایج مهمی نیز رسیده‌اند.

۵-۲- فرازهای مستقل مورد اختلاف در المیزان و نمونه

در این قسمت نمونه آیه‌ای که تفاسیر المیزان و نمونه در نگاه تفکیکی و مستقل به آن، اختلاف دارند، آورده می‌شود؛ به این معنا که تفسیری معنای استقلالی یا تجزیه‌ای برای فرازی قائل شده و تفسیر دیگر، آن را فقط در سیاق و با نگاه مجموعی تبیین کرده است.

۵-۲-۱- فرازهای مستقل در تفسیر المیزان

نمونه‌های زیر، برخی از مواردی هستند که در تفسیر المیزان به عنوان فراز مستقل در نظر گرفته شده‌اند، اما در تفسیر نمونه، به معنای مستقل آنها اشاره‌ای نشده است.

الف. جمله معترضة

«...وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً...» (مائده: ۴۱)؛ علامه از این فراز با عنوان «جمله معترضة» یاد می‌کند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۳۴۰). برخی جملاتی که به عنوان جمله معترضة در المیزان نام برده شده، لزوماً عبارات بدون ارتباط صدوری و نزولی نیستند، بلکه گاهی عباراتی هستند که هم قابلیت تفسیر مجموعی را دارند و هم تفسیر تفکیکی و مستقل را.

ب. مثال‌های قرآنی

«أَوْ مَنْ كَانَ مُبْتَلًى فَآخِئْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُوراً يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام: ۱۲۲)؛ علامه می‌نویسد: «از ظاهر سیاق صدر آیه چنین برمی‌آید که تشبیه «كَذَلِكَ» از قبیل تشبیه فرع به اصل و به منظور اعطای قاعده کلی باشد، مانند تشبیهی که در آیه «كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ» (رعد: ۱۷) و «كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ» (رعد: ۱۷) وجود دارد و درحقیقت به رسول خدا(ص) می‌فرماید، آن مثالی را که ما زدید قاعده‌ای کلی بگیر و مثل دیگری را که زده می‌شود بر آن قیاس کن.» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۷، ص ۳۳۹). ایشان مثال‌های قرآنی را قواعد کلی می‌داند که علاوه بر سیاق، فراتر از سیاق نیز قابل استناد می‌باشند.

ج. به فصل آمدن یک عبارت

«لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءاً يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا» (نساء: ۱۲۳)؛ علامه درباره عبارت «مَنْ يَعْمَلْ سُوءاً يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا» می‌نویسد: «این جمله با واو عاطفه، عطف به ماقبل نشده و به اصطلاح ادبی، به فصل آمده نه به وصل» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۸۶). آیت الله مکارم بیانی پیرامون به فصل آمدن و مستقل بودن این عبارت ندارد ولی آن را قانونی ثابت و سنتی تغییرناپذیر می‌داند که تمام ملت‌ها در برابر آن یکسانند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش، ج ۴، ص ۱۴۱).

به این ترتیب فرازهایی که مستقل از ماقبل هستند و به فصل آمده‌اند، چون از یک طرف به سیاق مربوط می‌شوند، معنای داخل سیاق یا جمعی، درباره آنها پذیرفته است، و از طرف دیگر چون مستقل هستند معنای بیرون از سیاق یا تفکیکی در مورد آنها مطرح می‌شود.

۵-۲-۲- فرازهای مستقل در تفسیر نمونه

در این قسمت به آیاتی اشاره شده است که آیت‌الله مکارم به مستقل بودن آنها تصریح دارد، ولی علامه طباطبایی به تفسیر آنها داخل سیاق و با نگاه مجموعی پرداخته است. تقسیم‌بندی آیات این بخش، به دلیل گستردگی آن می‌باشد.

الف. گستردگی معانی کلمات و عبارات یک فراز

در این گروه نمونه آیاتی مد نظر می‌باشند که آیت‌الله مکارم دایره معنایی کلمات آن را وسعت بخشیده و معمولاً تمام آنچه به عنوان معنا و مصداق کلمه، علاوه بر سیاق، می‌توانسته مورد توجه قرار بگیرد، آورده است و به این ترتیب، این عبارات قابل تطبیق بر فرازهای مستقل می‌باشند.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (حمد: ۲)؛ آیت‌الله مکارم با توجه به معنای وسیع و گسترده «عالمین» و نگاه برون سیاقی معتقد است این کلمه علاوه بر انسان‌ها، دیگر موجودات عالم را نیز دربر می‌گیرد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۳۱)؛ علامه نیز با اهتمام به سیاق آیات سوره حمد می‌نویسد: «اگر «عالم» به معنای صنف انسان‌ها باشد، با مقام آیات که مقام شمردن اسماء حسناى خدا است، تا می‌رسد به «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» مناسب‌تر است، مراد از يوم الدين روز قیامت است، چون دین به معنای جزاء است، و جزاء در روز قیامت مخصوص به انسان و جن است، پس معلوم می‌شود مراد از عالمین هم عوالم انس و جن، و جماعت‌های آنان است.» (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱ ف ص ۲۱).

«... وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ...» (بقره: ۲۷)؛ آیت‌الله مکارم با نگرش تفکیکی و فراتر از سیاق می‌نویسد: «فاسقان پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار بماند قطع می‌کنند، این پیوندها شامل پیوند خویشاوندی، پیوند دوستی، پیوندهای اجتماعی، پیوند و ارتباط با رهبران الهی و پیوند و رابطه با خداست، و در نتیجه نباید معنای آیه را منحصر به قطع رحم و

زیر پا گذاشتن رابطه‌های خویشاوندی دانست.» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۴).

«... لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ...» (بقره: ۲۷۹)؛ آیت‌الله مکارم ذیل این فراز می‌نویسد: «گرچه در مورد رباخواران آمده، ولی درحقیقت یک شعار وسیع و پرمایه اسلامی است که می‌گوید به همان نسبت که مسلمانان باید از ستمگری پرهیزند، از تن دادن به ظلم و ستم نیز باید اجتناب کنند.» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۳۷۷).

«وَنُيْسِرُكَ لِلْيُسْرَى» (اعلی: ۸)؛ در تفسیر نمونه با نگاه به ابعاد مختلف این فراز آمده است: «هدف، بیان این حقیقت است که در راهی که تو (پیامبر اکرم(ص)) در پیش داری، مشکلات و سختی‌ها فراوان است؛ هم در راه گرفتن وحی و حفظ آن، هم در تبلیغ رسالت و ادای آن، و هم در انجام کارهای خیر و عمل به آن؛ ولی ما در تمام این امور به تو یاری می‌دهیم و مشکلات را بر تو آسان می‌سازیم.» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش، ج ۲۶، ص ۳۹۶) و در ادامه تأکید می‌کند: «این جمله ممکن است اشاره به محتوای دعوت پیامبر(ص) و تکالیف و برنامه‌های الهی نیز باشد، یعنی محتوای آن آسان، و شریعت او شریعت سمحه سهله است و تکالیف شاق و کمرشکن در این آیین الهی وجود ندارد. زندگانی خود پیامبر(ص) نیز که از هرگونه تعلق و تقیدی آزاد بود، نمونه کاملی از تعلیم این حقیقت بود.» (همان). آیه فوق مفهوم بسیار وسیعی دارد هرچند بسیاری از مفسران آن را در یکی از ابعادش محدود کرده‌اند.

«وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء: ۵)؛ در تفسیر نمونه ضمن تصریح به معنای اصلی کلمه «سفها»، معانی تفکیکی و برون‌سیاقی آن نیز مد نظر بوده و نتیجه گرفته شده که: «انسان در هیچ حال و در هیچ موردی اموالی را که تحت سرپرستی اوست و یا زندگی او به‌نوعی به آن بستگی دارد نباید به‌دست افراد کم‌عقل و غیررشید بسپارد.» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۲۶۸-۲۶۷). البته علامه در اینجا حکم را کلی نمی‌داند و آن را ترجیحاً مربوط به سفیهان ایتام می‌داند و می‌نویسد: «بحث آیه شریفه درباره اموال یتیمان است، همین معنا قرینه‌ای است بر اینکه مراد از کلمه «سفها» عموم سفیهان نیستند، بلکه تنها سفیهان از ایتام می‌باشند.» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۱۷۰).

آیت‌الله مکارم در این آیات و آیات فراوان دیگر از جمله «بقره: ۲۶۴؛ آل عمران: ۴۷؛ اعلی: ۱۴؛ شرح: ۳-۲؛ مائده: ۷؛ قلم: ۱؛ کوثر: ۱» و غیر این آیات، با نظر به معانی متعدد کلمات و عبارات قرآنی، تفسیر آنها را با نگاه برون سیاقی و مستقل مطرح کرده است.

ب. حکم عمومی، قانون کلی و سنت الهی بودن یک فراز

در تفسیر نمونه ذیل برخی آیات، اصطلاح حکم عمومی، قانون کلی یا سنت الهی به کار رفته است که این عبارات قابل تطبیق بر قاعده استناد به حجیت فرازهای مستقل قرآنی می‌باشند.

«...يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ...» (بقره: ۱۸۵)؛ آیت‌الله مکارم ضمن نگرش مجموعی و سیاقی که آیه را ناظر به مسئله روزه و فواید آن و حکم مسافر و بیمار می‌داند، به استقلال این فراز نیز توجه داشته و می‌نویسد: «با توجه به کلی بودن، از آن یک قاعده عمومی نسبت به تمام احکام اسلامی استفاده می‌شود و از مدارک قاعده معروف «لا حرج» است.» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۶۳۷-۶۳۶). نتیجه نگاه مستقل به این فراز، اثبات یکی از قواعد پر کاربرد فقهی است.

«...وَالصُّلْحُ خَيْرٌ...» (نساء: ۱۲۸)؛ آیت‌الله مکارم گرچه این جمله کوتاه و پرمعنا را در مورد اختلافات خانوادگی می‌داند ولی در ادامه و با نگاه مستقل به آن می‌نویسد: «بدیهی است که این جمله یک قانون کلی و عمومی و همگانی را بیان می‌کند که در همه جا اصل نخستین صلح و صفا و دوستی و سازش است، و نزاع و کشمکش و جدایی، برخلاف طبع سلیم انسان و زندگی آرام‌بخش اوست، و لذا جز در موارد ضرورت و استثنایی نباید به آن متوسل شد.» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ ش، ج ۴، ص ۱۵۱).

این آیات و آیات دیگر از جمله «بقره: ۱۱۳ و ۱۵۰؛ نساء: ۸۸؛ قصص: ۵؛ تحریم: ۱۰» و غیر آنها، تأیید می‌کنند که یکی از نتایج نگاه مستقل به عبارات قرآنی در تفسیر نمونه، استخراج قوانین کلی، همگانی و قابل استناد در تمام اعصار و دوران‌ها می‌باشد.

نتیجه

قاعده «حجیت فرازهای مستقل قرآنی» که از قواعد پر کاربرد تفسیری است، قابل تطبیق بر قاعده «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السياق» می‌باشد. به این معنا که برخی فرازهای قرآنی هم تفسیر سیاقی یا مجموعی دارند و هم تفسیر فراسیاقی یا تفکیکی.

علامه طباطبایی در المیزان اهتمام ویژه‌ای به سیاق و تفسیر ساختاری، بنابر هدف اصلی نگارش المیزان، داشته‌اند و حدود ۲۱۰۰ بار از قاعده سیاق در تفسیر خود استفاده کرده‌اند در حالی که ضمن تأیید تفسیر مستقل از عبارات و فرازهای قرآنی، در موارد اندکی به این امر پرداخته‌اند؛ اما آیت الله مکارم شیرازی با توجه به رسالت تفسیر نمونه که پاسخگویی به شبهات می‌باشد، با تأکید بر این قاعده، از آن بهره‌ها برده است و در سراسر تفسیر نمونه، اهتمام ایشان به نگاه مستقل و تفکیکی بر فقرات قرآنی که ملاک‌های تقطیع را دارا می‌باشند، مشهود است.

نتایج تحلیل تطبیقی این قاعده در تفاسیر «المیزان» و «نمونه» نشان می‌دهد که فرازهایی از آیات اگر ظهوری مستقل و غیرمنافی با آیات دیگر و ضروریات دین داشتند، حجت محسوب می‌شوند. هردو تفسیر، قوانین کلی‌ای را که قابل تعمیم به گروه‌های دیگر است در انحصار سیاق نمی‌دانند؛ همچنین پیوند و قرین بودن عبارتی را با عبارات دیگر دلیل بر تخصیص آن به حساب نمی‌آورند؛ و نیز هردو تفسیر عبارات انتهای آیات را که گاه تأکید یا تعلیل نیز هستند، گونه‌ای از فرازهای مستقل به شمار می‌آورند. «المیزان» فرازی که از نظر ادبی، به فصل آمده باشد، همچنین برخی جملات معترضه را گونه‌ای از فرازهای مستقل می‌داند. یکی از نتایج نگاه مستقل و فراتر از سیاق و سبب نزول به فقرات قرآنی در «تفسیر نمونه»، پایه‌ریزی مبانی اصیل و پرمایه اسلامی است؛ همچنین استخراج قواعد پرکاربرد فقهی، احکام عمومی، قوانین کلی و سنن الهی که قابل استناد در تمام اعصار و دوران‌ها می‌باشند و شبهه انحصار این کتاب هدایت را به عصر نزول درهم می‌شکنند، از دیگر نتایج بهره‌گیری از این قاعده تفسیری است.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ ش.
۱. ابن جنی، عثمان؛ **الخصائص**؛ به تحقیق محمدعلی النجار؛ بغداد: دارالشوون الثقافیه، ۱۹۹۰ م.
۲. ابن فارس، احمد؛ **معجم مقایس اللغة**؛ چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن منظور، محمدبن مکرم؛ **لسان العرب**؛ چاپ سوم، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
۴. اسعدی، محمد؛ سایه‌ها و لایه‌های معنایی: درآمدی بر نظریه معنانشناسی مستقل فرازهای قرآنی در پرتو روایات تفسیری؛ چاپ دوم، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۵. اسعدی، محمد؛ «**ساختارهای چند وجهی قرآن از منظر علامه طباطبائی**»؛ پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۲ (سال اول)، ۱۳۸۶ ش.
۶. انصاری، ابن هشام؛ **معنی اللیب**؛ قم: نشر مکتبه قم، ۱۳۶۶ ش.
۷. بابائی، علی اکبر؛ **قواعد تفسیر قرآن**؛ چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه - تهران: سمت، ۱۳۹۴ ش.
۸. بابایی، علی اکبر؛ **روش شناسی تفسیر قرآن**؛ چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ ش.
۹. باقریان، محمد؛ «**استقلال معنایی فرازهای قرآنی**»؛ مجله معرفت، شماره ۱۰۷، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. پیروفر، سهیلا و جمالی راد، فهیمه؛ «**سازگاری تفسیر آیات با دو رویکرد مجموعی و تفکیکی**»؛ پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۲، ۱۳۹۲ ش.
۱۱. جرجانی، علین محمد؛ **التعریفات**، چاپ اول، تونس: الدار التونسیه للنشر، ۱۳۵۷ ق.
۱۲. دهخدا، علی اکبر؛ **فرهنگ متوسط دهخدا**؛ زیر نظر جعفر شهیدی؛ چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۵ ش.
۱۳. رازی، محمدبن ابی بکر؛ **مختار الصحاح**؛ لبنان: بی نا، ۱۹۸۹ م.
۱۴. زرکشی، محمدبن بهادر؛ **البرهان فی علوم القرآن**؛ به تحقیق جمال حمدی ذهبی، ابراهیم عبدالله کردی و یوسف عبدالرحمن مرعشلی؛ چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۰ ق.
۱۵. سبت، خالدبن عثمان؛ **قواعد التفسیر جمعاً و دراسة**؛ القاهرة: دار ابن عفان - الرياض: دار ابن القیم، ۱۴۲۶ ق.
۱۶. شحاته، عبدالله محمود؛ **درآمدی به تحقیق در اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن کریم**؛ به ترجمه محمدباقر حجتی؛ چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۱۷. طباطبائی، محمدحسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن؛ **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**؛ چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۹. عابدینی، احمد؛ «**حجیت فرازهای قرآن کریم**»؛ نشریه بینات، شماره ۱۴ (سال چهارم)، ۱۳۷۶ ش.
۲۰. فیومی، احمدبن محمد؛ **المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی**؛ چاپ اول، قم: دارالهجره، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم؛ **تفسیر القمی**؛ به تحقیق طیب موسوی جزایری؛ چاپ سوم، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.

۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی؛ به ترجمه سید جواد مصطفوی؛ تهران: بی نا، بی تا.
۲۳. کمانی نجف آبادی، مهدی؛ تفسیر موضوعی روایی - چستی، مبانی و روش؛ چاپ اول، بی جا: سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۹۷ ش.
۲۴. مدرسی، محمد تقی؛ سوره های قرآن درونمایه ها و محورها؛ به ترجمه محمد تقدیمی صابری؛ چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۲۵. معرفت، محمد هادی؛ علوم قرآنی؛ چاپ نهم، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۷ ش.
۲۶. مغنیه، محمد جواد؛ تفسیر کاشف؛ چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ ق.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه؛ چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۲۸. ممتحن، مهدی؛ «جمله معترضه و تأثیر بلاغی آن در قرآن کریم»؛ پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره ۵، ۱۳۸۷ ش.
۲۹. هاشمی، احمد؛ جواهر البلاغة، بیروت: دارالفکر، ۱۹۷۸ م.

Bibliography

The Holy Quran

The Holy Quran, Persian trans. by Naaser Makaarem Shiraz, 1387 Sh.

Other Literature

- 'Aabedini, Ahmad, "Hojiyyat e Faraaz haa ye Qurani," *Nashriyyeh ye Bayyenaat*, vol. 4, no. 14, 1376 Sh.
- Al- Fayyumi, Ahmad b. Muhammad, *al-Mesbaah al-Monir fi Gharib Sharh al-Kabir li al-Raaf'e*, 1st imp., Qom Dar al-Hejrah, 1414 A. H.
- Al- Haashemi, Ahmad, *Jawaaher al-Balaaghah*, Beirut: Dar al-Fekr, 1978.
- Al- Kolayni, Muhammad b. Ya'qoub, *Osoul e Kaafi*, trans. by Sayyid Javaad Mostafavi, Tehran. N. p., n. d.
- Al- Qommi, 'Ali b. Ibraahim, *Tafsir e al- Qommi*, ed. by Sayyid Tayyeb Mousawi Jazaayeri, 3rd imp., Qom: Dar al-Ketaab, 1363 AH.
- Al- Raazi, Muhammad b. Abi Bakr, *Mokhtaar al- Sehaah*, Lebanon: n.p., 1989 A. H.
- Al- Tabarasi, Fazl b. Hasan, *Majma' al- Bayaan fi Tafsir al- Quran*, 3rd imp., Tehran: Enteshaaraat e Naaser Khosrow, 1372 Sh.
- Al- Zarkeshi, Muhammad b. Baahaador, *al- Borhaan fi 'Oloum al- Quran*, ed. by Jamaal Hamdi Zahabi, Ibraahim Kordi, and Yousof 'Abd al-Rahmaan Mar'ashli, 1st imp., Beirut: Dar al-Ma' refah, 1410 A. H.
- Ansaari, Ibn Hesham, *Moghni al- Labib*, Qom: Nashr e Maktabeh ye Qom, 1366 Sh.
- As'adi, Muhammad, "Saakhtaar haa ye Chand Vajh ye Quran az Manzar e Allameh Tabaatabaayi," *Pazhouhesh Naameh ye Quran va Hadith*, vol. 1, no. 2, 1386 Sh.
- As'adi, Muhammad, *Saayeh haa va Laayeh haa ye Ma'naayi: Dar aamadi bar Nazariyyeh ye Ma'naa Shenaasi Mostaqell e Faraaz haa ye Qurani dar Parto e Revaayaat e Tafsiri*, 2nd ed., Qom: Enteshaarat va Mo'asseseh ye Boustaan e Kataab, 1385 Sh.
- Baabaayi, 'Ali Akbar, *Qavaa'ed e Tafsir e Quran*, 1st imp., Qom: Pazhouhesh Gaah ye Howzeh va Daaneshgaah; Tehran: SAMT, 1394 Sh.

- Baabaayi, 'Ali Akbar, *Ravesh Shenaasi ye Tafsir e Quran*, 1st imp., Qom: Pazhouhesh Kadeh ye Howzeh va Daaneshgaah, 1379 Sh.
- Baaqeriyaan, Muhammad, "Esteqlaal e Ma'naayi ye Faraaz haa ye Qurani," *Majjalleh ye Ma'refat*, no. 107, 1385 Sh.
- Dehkhodaa, 'Ali Akbar, *Farhang e Motavasset e Dehkhodaa*, ed. by Sayyid Ja'far Shahidi, 1st imp., Tehran: Mo'assesseh ye Chaap va Enteshaaraat e Danesshgaah e Tehran, 1385 Sh.
- Ibn Faares, Ahmad, *Mo'jam Maqaayis al-Loghah*, 1st ed., Qom: Dar Maktab al-E'laam al-Islaami, 1404 A. H.
- Ibn Jenni, 'Othmaan, *al-Khasaa'es*, ed. Muhammad 'Ali al-Najjaar, Baghdad: Dar al-Sho'oun al-Thaqqafiyyah, n. d.
- Ibn Manzour, Muhammad b. Mokarram, *Lesaan al-'Arab*, 3rd ed., Beirut: Dar Saader, 1414 A. H.
- Jorjaani, 'Ali b. Muhammad, *al-Ta'rifaat*, 1st ed., Tunis: al-Dar al-Tounosiyyah li al-Nashr, 1357 A. H.
- Kamaani e Najafaabaadi, Mahdi, *Tafsir e Mowzou'i ye Revaayi: Chisti, Mabaani, va Ravesh*, 1st ed., n. p.: Sazmaan e Chaap va Enteshaaraat e Dar al-Hadith, 1397 Sh.
- Ma'refat, Muhammad Hadi, *'Oloum e Qurani*, 9th imp., Qom: Mo'asseseh ye Farhangui ye Tamhid, 1387 Sh.
- Makaarem Shiraazi, Naaser, et al., *Tafsir e Nemouneh*, 10th imp., Tehran: Dar al-Kotob al-Islaamiyyah, 1371 Sh.
- Modarresi, Muhammad Taqi, *Soureh haa ye Quran: Daroun Maqayeh ha ava Mehvar haa*, 1st ed., Mashhad: Bonyaad Pazhouhesh haa ye Islaami, 1386 Sh.
- Moghniyeh, Muhammad Jawaad, *Tafsir e Kaashef*, 1st imp., Tehran: Dar al-Kotob al-Islaamiyyah, 1424 A. H.
- Momtahn, Mahdi, "Jomleh ye Mo'tarezeh va Ta'sir e Balaaghi ye aan dar Quran e Karim," *Pazhouhesh Naameh ye Quran va Hadith*, no. 5, 1387 Sh.
- Pirouz Far, Soheylaa, and Fahimeh Jamaali Raad, "Saazegaari ye Tafsir e Aayaat baa Do Rouykard e Majmou'i va Tafskiki, *Pazhouhesh Naame ye Tafsir va Zabaan e Quran*, no. 2, 1392 Sh.
- Sebt, Khaaled b. 'Othmaan, *Qavaa'ed al-Tafsir Jam'an va Deraasatan*, Cairo: Dar Ibn Ghaffaar; Riyadh: Dar Ibn al-Qayyem, 1426 A. H.
- Shahhaateh, 'Abd Allah Mahmoud, *Dar Aamadi beh Tahqid dar Ahdaaf va Maqaased e Soureh haa ye Quran e Karim*, trans. by Sayyid Muhammad Baaqer Hojjati, 1st ed., Tehran: Daftar Nashr e Farhang e Islami, 1369 Sh.
- Tabaatabaayi, Sayyid Muhammad Hosayn, *al-Mizaan fi Tafsir al-Quran*, Beirut: Mo'assesah al-A'lami, 1390 A. H.